



تَعْدِيمَهُ

امير المؤمنین، امام المقتیین، علی بن اسیاطاب علیہ السلام

آن چیز که می شود، گرفتیم

از نمره بیست، صد گرفتیم

از ذکر علی مدد گرفتیم

در بوته آزمایش عشق

دانشگاه و مریجیت علمی

(باتکنید بر دانشگاه امام صادق علیه السلام)

تألیف: کمیل رودی

فهرست مطالب

۱۳.....	سخن ناشر.....
۱۵.....	مقدمه دکتر گودرزی.....
۱۷.....	پیشگفتار.....
بخش اول: مفاهیم اساسی	
۲۳.....	فصل اول: دانشگاه.....
۲۵.....	مقدمه.....
۲۶.....	۱. دانشگاه.....
۲۶.....	۱-۱. رسالت دانشگاه.....
۳۱.....	۱-۲. سازمان دانشگاه.....
۳۵.....	۲. دانشکده.....
۳۷.....	نتیجه گیری.....
۴۱.....	فصل دوم: مرجع.....
۴۳.....	مقدمه.....
۴۴.....	۱. مرجعیت در عالم ذهن.....
۴۴.....	۲. مرجعیت در عالم زبان.....

۶ ◇ دانشگاه و مرجعیت علمی

۴۵.....	۳. مرجعیت در عالم واقع
۴۰.....	۱-۳. کتاب مرجع
۴۵.....	۱-۱-۳. تعریف کتاب مرجع
۴۶.....	۱-۲-۳. ویژگی کتاب مرجع
۴۷.....	۱-۳-۳. انواع کتاب مرجع
۴۸.....	۲-۳. انسان مرجع
۵۱.....	۳-۳. گروه مرجع
۵۲.....	۴-۳. سازمان مرجع
۵۵.....	نتیجه گیری
۵۷.....	فصل سوم: علم
۵۹.....	مقدمه
۵۹.....	۱. تعریف علم
۶۵.....	۲. طبقه بندی علم
۷۱.....	۳. علم در اسلام
۷۱.....	۱-۳. جایگاه علم در اسلام
۷۲.....	۲-۳. درآمدی بر مبانی علم در اسلام
۷۴.....	۳-۳. درآمدی بر مدل مفهومی علم در اسلام
۸۲.....	نتیجه گیری
۸۵.....	فصل چهارم: مرجع علمی
۸۷.....	مقدمه
۸۸.....	۱. مفهوم مرجعیت علمی
۹۰.....	۲. بررسی مبانی فهرست دانشگاههای برتر
۹۱.....	۲-۱. معیارهای رتبه بندی و اوزان آنها

۷ ◇ فهرست مطالعه

۹۲.....	۲-۲. تعریف شاخص‌ها
۹۵.....	۳. مرجعیت علمی
۹۸.....	نتیجه گیری

بخش دوم: مدل‌سازی نفومی مرجحیت علمی

۱۰۳.....	فصل پنجم: روش دستیابی به مدل مفهومی
۱۰۵.....	مقدمه
۱۰۶.....	۱. جهت گیری پژوهش
۱۰۷.....	۲. فلسفه‌ی پژوهش
۱۱۲.....	۳. رویکرد پژوهش
۱۱۳.....	۴. استراتژی پژوهش
۱۱۴.....	۱-۴. تعریف تئوری مفهوم سازی بنیادی
۱۱۴.....	۲-۴. ارکان تئوری مفهوم سازی بنیادی
۱۱۵.....	۲-۴-۱. مفهوم
۱۱۵.....	۲-۴-۲. مقوله
۱۱۶.....	۲-۴-۳. قضیه
۱۱۷.....	۲-۴-۴. مدل
۱۱۹.....	۳-۴. مراحل تئوری مفهوم سازی بنیادی
۱۱۹.....	۳-۴-۱. طرح پژوهش
۱۲۰.....	۳-۴-۲. نمونه برداری نظری
۱۲۱.....	۳-۴-۳. دوم. کفایت تئوری
۱۲۳.....	۳-۴-۴. جمع آوری داده‌ها
۱۲۳.....	۳-۴-۵. تنظیم داده‌ها
۱۲۳.....	۳-۴-۶. تحلیل داده‌ها

❖ ۸ دانشگاه و مرجعیت علمی

۱۲۴.....	۴-۳-۵. مقایسه با متون
۱۲۴.....	۴-۴. فرآیند تحلیل تئوری مفهوم سازی بنیادی
۱۲۵.....	۱-۴-۴. کدگذاری باز
۱۲۶.....	۲-۴-۴. کدگذاری محوری
۱۲۶.....	۳-۴-۴. کدگذاری انتخابی
۱۲۷.....	۴-۴-۴. یادداشت‌های نظری
۱۲۸.....	۴-۴. گزارشی از بکارگیری تئوری مفهوم سازی بنیادی در این پژوهش
۱۳۰.....	۵. هدف پژوهش
۱۳۱.....	۶. افق زمانی پژوهش
۱۳۱.....	۷. شیوه‌ی گردآوری داده‌ها
۱۳۲.....	۷-۱. مشاهده
۱۳۲.....	۷-۲. پرسشنامه
۱۳۳.....	۷-۳. بررسی اسناد و مدارک
۱۳۴.....	۷-۴. مصاحبه
۱۳۷.....	نتیجه گیری
۱۳۹.....	فصل ششم: مدل مفهومی مرجعیت علمی
۱۴۱.....	مقدمه
۱۴۱.....	۱. مقوله‌ی اول: راهبرد مرجعیت علمی
۱۴۲.....	۱-۱. تمرکز
۱۴۳.....	۱-۲. انتخاب حوزه علمی
۱۴۳.....	۱-۳. تعیین حیطه اقدام
۱۴۴.....	۱-۴. استفاده از فرصت‌ها
۱۴۴.....	۱-۵. تعیین قابلیت‌ها

۹ ◇ فهرست مطالب

۱۴۴.....	۶. مزیت نسبی و مزیت رقابتی
۱۴۵.....	۲. مقوله‌ی دوم: سطوح مرجعیت علمی (مقوله‌ی محوری)
۱۴۶.....	۲-۱. مرجعیت بنیادی (ریشه‌ای)
۱۴۷.....	۲-۲. مرجعیت سیاستگذاری (شاخه‌ای)
۱۴۷.....	۲-۳. مرجعیت کاربردی (میوه‌ای)
۱۴۸.....	۳. مقوله‌ی سوم: محور مرجعیت علمی
۱۴۸.....	۳-۱. استاد محوری
۱۴۹.....	۳-۲. مساله محوری
۱۵۰.....	۳-۳. دانشجو محوری
۱۵۱.....	۴. مقوله‌ی چهارم: ویژگی مرجعیت علمی
۱۵۱.....	۴-۱. جریان سازی علمی
۱۵۱.....	۴-۲. اعلمیت
۱۵۲.....	۴-۳. خط شکنی
۱۵۳.....	۴-۴. مفهوم مرجعیت
۱۵۵.....	۵. مقوله‌ی پنجم: مدیریت مرجعیت علمی
۱۵۵.....	۵-۱. کارائی و اثربخشی اداره
۱۵۶.....	۵-۲. یادگیری دو مرحله‌ای
۱۵۶.....	۵-۳. چابکی و انعطاف پذیری
۱۵۸.....	۶. مقوله‌ی ششم: نظام مرجعیت علمی
۱۵۸.....	۶-۱. خروجی نظام مرجعیت علمی
۱۶۰.....	۶-۲. ورودی نظام مرجعیت علمی
۱۶۱.....	۶-۳. فرآیند نظام مرجعیت علمی
۱۶۴.....	۷. مقوله‌ی هفتم: هویت مرجعیت علمی

۱۰ ◇ دانشگاه و مرجعیت علمی

۱۶۴.....	۱-۷. ایمان مداری
۱۶۶.....	۷-۲. بازگشت به معارف اسلامی
۱۶۷.....	۷-۳. به سوی تمدن اسلامی
۱۷۱.....	فصل هفتم: نتیجه کلیری
۱۷۹.....	یادداشت ها
۱۹۹.....	فهرست منابع

فهرست جداول

۹۲.....	جدول (۱): معیارهای رتبه بندهی دانشگاههای برتر و اوزان آنها
۹۴.....	جدول (۲): رتبه بندهی ده دانشگاه اول دنیا و نمره هریک در معیارها
۱۱۰.....	جدول (۳): مقایسه ی روشهای کمی و کیفی
۱۳۸.....	جدول (۴): شماتی کلی از روش تحقیق پژوهش حاضر

فهرست نمودارها

۳۱.....	نمودار (۱): روابط میان رسالت‌های دانشگاه
۴۰.....	نمودار (۲): مدل دانشکده در وضع مطلوب
۵۰.....	نمودار (۳): مجتهد، مجتهد، جامع الشرایط و مرجع تقلید
۶۲.....	نمودار (۴): دانائی در مقابل نادانی
۶۳.....	نمودار (۵): دانائی تجربه ناپذیر، نادانی تلقی گردید
۶۴.....	نمودار (۶): توسعه حیطه علم با پذیرش روشهای کیفی
۷۶.....	نمودار (۷): مدل علم در مفهوم دو بعدی
۷۹.....	نمودار (۸): مدل علم در مفهوم سه بعدی و رابطه‌ی آن با عبودیت و ولایت
۷۹.....	نمودار (۹): انواع جهل
۸۰.....	نمودار (۱۰): مدل علم در مفهوم سه بعدی و نمایش مرز علم و جهل (سوال)

فهرست مطالب ◆ ۱۱

نmodار (۱۱): مدل دستیابی به مرجعیت علمی.....	۹۸
نmodار (۱۲): حرکت رفت و برگشتی جمع آوری و تحلیل داده ها برای دستیابی به کفايت مقوله ها.....	۱۲۲
نmodار (۱۳): فرآيند بهم وابسته جمع آوری، تنظيم و تحلیل داده ها.....	۱۲۴
نmodار (۱۴): تبیین مقوله «راهبرد مرجعیت» و ارتباط آن با دیگر مقوله ها.....	۱۴۰
نmodار (۱۵): تبیین مقوله محوری «سطوح مرجعیت» با مقوله «محور مرجعیت»....	۱۵۰
نmodار (۱۶): تبیین مقوله «ویژگی مرجعیت» و ارتباط آن با دیگر مقوله ها.....	۱۵۴
نmodار (۱۷): تبیین برخی مفاهیم مقوله «مدیریت مرجعیت» در ارتباط با مقوله «سطوح مرجعیت».....	۱۵۷
نmodار (۱۸): تبیین مقوله «نظام مرجعیت» با دیگر مقوله ها.....	۱۶۴
نmodار (۱۹): تبیین برخی مفاهیم و ربط آنها با مقوله محوری.....	۱۶۷
نmodار (۲۰): مدل مفهومی مرجعیت علمی.....	۱۶۹

سخن ناشر

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق ع ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق ع که ازسوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی ای متعدد، باتفوا و کارآمد در عرصه عمل است تا این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد زیرا که علم بدون تزکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیش‌گامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع) مورخ

سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بینایدین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طبیه در فضای ملی و بین المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بینانگذاران این نهاد است که امید می‌رود در طبیعت دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام باتوجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کوتني با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در سال جاری و به بهانه ۲۵ سال دانشگاه امام صادق علیه السلام در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و..... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام ضمن قادردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آنها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

امید آنکه با گسترش کمی و کیفی دانشگاه‌های اسلامی در کشور و توسعه آنها در افقی جهانی، شاهد ظهور انوار «علم مفیدی» باشیم که راه‌گشای جهانیان در گذار از شرایط کوتني برای نیل به سعادت واقعی باشد.

در این راستا انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام آمادگی کامل خود را برای دریافت و انتشار کلیه آثاری که با این هدف تهیه و تولید شده‌اند - اعم از منظرهای انتقادی، تحلیلی، توصیفی و کاربردی - اعلام می‌دارد.

مقدمه

موضوع مرجعیت علمی، موضوعی جدید و پُر سابقه است. سابقه‌ی این موضوع به تاریخ دیرپایی علم بر می‌گردد؛ آنجا که اندیشمندان و بزرگانی چون بو علی سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی و خوارزمی، خود به عنوان مرجع علمی عصر خویش و حتی گاه در اعصار کنونی شناخته شده‌اند. ولی با همه‌ی این سابقه، موضوع مرجعیت علمی، به شکل علمی و نگرشی تحلیلی و با افقی موشکافانه و راهبردی کمتر مد نظر بوده است، به طوری که بسیاری از افراد مرجع علمی را با خبره‌ی علمی و دانشگاه مرجع را با دانشگاه برتر و شبکه‌ی معنائی آنها را در ذهن خویش، یکی دانسته‌اند.

در دیدار دانشجویان دانشگاه امام صادق علیهم السلام در عید غدیر سال ۱۳۸۴ با مقام معظم رهبری (مد ظله)، ایشان موضوع مرجعیت علمی و اهمیت آن را در سطح عام و خاص مطرح نموده و تاکید داشتند که این دانشگاه بایستی به عنوان مرجع علمی شناخته شود. از این‌رو، در مجموعه‌ای از مطالعات و تحقیقات در دانشگاه در جهت تبیین مفهوم مرجع علمی و نگاه منظم، مدون و

هدفمند به آموزه‌های دینی و ارزشی و در راستای تعریف واقعی و دقیق مرجع علمی، علم، مرجع و دانشگاه مرجع تعریف و اجرا شد.

یکی از این تحقیقات، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد آقای کمیل رودی تحت عنوان «طراحی مدل دانشکده مرجع علمی» است. در این پایان نامه که کوشش‌های فراوان، مجاهدت علمی ایشان و استاد مشاور گرانقدرشان در طی دوره تدوین، قابل ملاحظه بود، به مفاهیم مرجع، در عالم‌های زبان، ذهن و واقع و نیز علم، تعاریف، انواع و طبقه‌بندی‌های آن و در نهایت، مرجع علمی پرداخته شد و بدون هیچگونه داوری خاص یا جانبداری بایستی اذعان نمود که این کار در موضوع خود ممتاز و اثرگذار بوده است. البته، کار بشری خالی از اشکال نیست و بالطبع، این مجموعه نیز می‌تواند غنا یافته و حتی در برخی موارد اصلاح شود. اما آنچه اهمیت دارد، تولید در ادبیات حوزه مرجعیت علمی است که به خوبی انجام پذیرفته است.

دکتر غلامرضا گودرزی

دانشگاه امام صادق علیه السلام

بهار ۱۳۸۸

پیشگفتار

در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، «توانا در تولید علم و فناوری» و «دست یافته به جایگاه اول علمی در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم» از ویژگیهای جامعه ایرانی در افق بیست ساله بر شمرده شده است.(سنده چشم انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۴: ۶-۷) دانشگاه به عنوان سازمان تولید کننده دانش و دانشمند، با اصلی وظیفه توانمند سازی ایران اسلامی را در این حوزه به دوش دارد؛ دانشگاه امام صادق علیه السلام، اولین دانشگاه اسلامی در ایران و برآمده از انقلاب اسلامی، مخاطب اصلی دعوت به جنبش نرم افزاری و تولید علم مطرح در سند چشم انداز است. به بیان دیگر، وظیفه اثبات عملی کارآمدی اسلام و نظام اسلامی در این حوزه بیشتر متوجه دانشگاهی است که «برای آموزش و توسعه دانش بشری مبتنی بر غایت گرانی آفرینش، آموزه‌های وحیانی و معارف و علوم اسلامی پایه گذاری شده و بر این باور است که در تعالیم اسلام و مکتب امام صادق علیه السلام که تبلور ناب آن می باشد، ظرفیت و جامعیتی نهفته است که با کشف، تبیین و کاربردی کردن آن، می توان در علوم و فنون بشری به ویژه علوم انسانی / اجتماعی تحولی عظیم پدید آورد[تولید دانش] و در پرتو

۱۸ ◇ دانشگاه و مرجعیت علمی

آن عالمنان شایسته و فرهیخته تربیت کرد[تولید دانشمند]». (بیانیه رسالت
دانشگاه: مقدمه) [۱]

بر این مبنای و با الهام از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و
دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام در عید غدیر سال ۱۳۸۴، که رسالت
اصلی آنان را ایجاد حرکت در علم و بنای علمی کشور دانستند، و فرمودند:
«این دانشگاه باید مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاههای دنیا بشود»،
دستیابی به مرجعیت علمی در صدر ماموریت‌های دانشگاه امام صادق علیه
السلام قرار می‌گیرد. [۲]

گرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد مرجعیت علمی، واژه ایست که
همه از آن مفهوم واحدی دارند، اما در حقیقت هر کسی جنبه یا بخشی از آن
را درک کرده، در صورت اراده به اقدام مبتنی بر همان عمل می‌کند. واژه‌ی
مرجعیت علمی در ذهن هر فردی شبکه معنائی (مفاهیم و روابط آنها) ویژه‌ای
را فعال می‌سازد. این تصویر ذهنی گاه از منابع تاریخی و از دنیای کلمات و
گاه از دنیای پیرامون واقعی و گاه از حرکت ذهنی و تصویرسازی بر می‌آید.

این شبکه معنائی از هر کجا نشات گرفته باشد، بی تردید شیوه تعامل با
این پدیده را رقم می‌زند. موقیت یک نهاد علمی در دستیابی به مرجعیت
علمی برآمده از میزان هم پوشانی تصاویر ذهنی اعضاء از آن است. هرچه این
هم پوشانی کمتر و آراء و نظرات در خصوص این پدیده گوناگون باشد، اقدام
نیز مختلف، گاه موازی و گاه مخرب یکدیگر و در نتیجه با برآیندی کمتر از
مجموع تلاش‌ها یا صفر خواهد بود. رسالت کتاب حاضر، افزایش هم
پوشانی شبکه معنائی و ایجاد درکی مشترک در ذهن اعضاء یک نهاد علمی از
مرجعیت علمی با استفاده از مفهوم سازی آن است.

در واقع، مجموعه پیش رو، با ارائه مدل مفهومی مرجعیت علمی،
توصیف و تشریح مفاهیم و روابط میان آنها، زمینه ساز برداشتن گام هائی

استوار به سمت آن است. در بخش اول، به مفاهیم اساسی خواهیم پرداخت. در فصل اول، دانشگاه را به عنوان یک نهاد علمی و بستر تحقیق مرجعیت علمی مورد بررسی قرار می‌دهیم. در فصل دوم، با سیری اجمالی در مفهوم مرجع و پدیده هائی که به این صفت وصف می‌شوند، ویژگیهای مرجعیت بر شمرده می‌شود. علم و تعاریف آن در فصل سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل چهارم، به مفهوم پردازی مرجع علمی می‌پردازد.

مدل سازی مرجعیت علمی هدف در بخش دوم است. این بخش شامل سه فصل روش دستیابی به مدل، مدل مرجعیت علمی و نتیجه گیری می‌گردد. فصل پنجم، فصلی است که در آن روش دستیابی به مدل مفهومی مرجعیت علمی تشریح می‌گردد. فصل ششم، حاصل تلاش نگارنده را در بکارگیری شیوه پژوهش به منظور مفهوم سازی مرجعیت علمی ارائه می‌کند. جمع بندی و نتیجه گیری از تلاش حاضر در فصل هفتم ارائه خواهد شد.

بی‌شک تلاش‌های دکتر گودرزی، استاد راهنمای دکتر باقری، استاد مشاور پژوهش حاضر، برای به ثمر رسیدن مطلوب این پژوهش از چشم هیچ خواننده‌ای پنهان نخواهد ماند. تلاش‌های ایشان را ارج نهاده، سپاسگزاری می‌کنم.

از زحمات دکتر رضائیان، دکتر رجحان، دکتر محمدزاده، دکتر خندان، دکتر همایون، دکتر آشنا و جناب آفای پیغامی به دلیل اختصاص وقت و ارائه بی‌دریغ ثمره سالها دانش‌اندوزی به نگارنده، و نیز از دکتر افتخاری برای ایجاد فرصت اشاعه‌ی یافته‌های پژوهش و زمینه سازی چاپ این مجموعه به صورت کتاب، سپاسگزارم.

بی‌تردد احساس رضایتمندی اینجانب از حضور هشت ساله در دانشگاه امام صادق علی‌الله مرهون زحمات بسیاری از مومنین به راه امام

❖ ۲۰ دانشگاه و مرجعیت علمی

صادق طیبی^۱ و در راس آنها حضرت آیت الله مهدوی کنسی (مدظله) است. از همه و به ویژه ایشان بی اندازه و خاضعانه سپاسگزارم.
در نهایت، از خداوند که به لطف و کرمش این همه را برای نگارنده مهیا نموده.....

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدا آورد
ورنه سزاوار خداوندیش کس نتواند که به جای آوردد

کمیل رودی

بهار ۱۳۸۸

بخش اول: مفاهیم اساسی

● ● ●

• فصل اول: دانشگاه

• فصل دوم: مرجع

• فصل سوم: علم

• فصل چهارم: مرجع علمی

فصل اول

مکانیکی مفہوم

دانشگاہ

مقدمه

در این فصل به منظور ارائه تصویر روشنی از بستر تحقیق مرجعیت علمی، دانشگاه، به بررسی رسالت و سازمان این نهاد علمی می پردازیم. شفاف سازی رویکرد به این نهاد علمی، راهگشایی بازشناسی موضوع و زمینه های تحقیق مرجعیت علمی است.

دانشگاه «محل دانش، موسسه علمی بزرگ که شامل چند دانشکده است و در هر یک از دانشکده های آن چندین رشته از علوم تدریس می شود». (عمید ۱۳۶۱: ۵۶۴) دانشکده بخشی از دانشگاه است و در سطح مورد بررسی ما، تفاوت این دو در محدود بودن دانشکده به رشته های علمی است. به دیگر سخن، دانشکده، دانشگاهی است که به رشته علمی محدود شده است و دانشگاه، دانشکده ای است که فارغ از رشته علمی مورد بررسی قرار می گیرد. بدین سان، در این سطح تحلیل، نتایج، قابل تعمیم به دانشکده به عنوان جزئی از دانشگاه نیز هست. فارغ از رشته ای علمی به عنوان یکی از مرزهای دانشکده و دانشگاه، مرزهای ساختاری و تشکیلاتی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۱. دانشگاه

مبدأ دانشگاه را به مدارس باستان، آکادمی افلاطون و مدرسه ارسطو و ... نسبت می‌دهند. دانشگاه الازهر در مصر و دانشگاه جندی شاپور در ایران از قدیمی ترین دانشگاه‌های است، اما دانشگاه به شکل امروزی (university) در اروپا از قرن یازده و دوازده میلادی بنیان نهاده شده است. (تفوی گیلانی [۳] : ۱۳۷۸)

در ایران دانشگاه با تأسیس دارالفنون پایه گذاری شد. پس از آن چند موسسه‌ی آموزش عالی ایجاد گردید که به تأمین نیروی انسانی مورد نیاز دولت می‌پرداخت. مانند مدرسه‌ی علوم سیاسی زیر نظر وزارت امور خارجه و مدرسه‌ی حقوق زیر نظر وزارت عدليه. در سال ۱۳۱۳ هـ ش. دانشگاه تهران از توسعه و تکمیل موسسات آموزش عالی موجود تأسیس گردید. (صالحی ۱۳۷۸: ۲۲۱)

۱-۱. رسالت دانشگاه

دانشگاه تا اوایل قرن گذشته، بیشتر وظیفه انتقال دانش و آموزش دانش پژوهان را بر عهده داشت. از این تاریخ به بعد وظیفه تولید دانش و انجام پژوهش نیز بطور رسمی به وظایف دانشگاه اضافه گردید. در این دوره لزوم نزدیک شدن دانشگاه به جامعه و رفع احتیاجات آنها مورد تأکید قرار گرفت. (تفوی گیلانی ۱۳۷۸: ۱۶۹)

ورود پژوهش به حوزه کارکردهای دانشگاه به رشد دانشگاه‌های آلمانی بر می‌گردد. در این نوع دانشگاه‌ها پژوهش از جایگاهی بالاتر از آموزش برخوردار بود و تولید علم، کارکرد اصلی دانشگاه به حساب می‌آمد. در مقابل این رویکرد، وظیفه اصلی دانشگاه‌های انگلستان آموزش بود و از آن جهت به پژوهش پرداخته می‌شد که موجب روزآمدی و پرنشاطی آموزش می‌گردید.

دانشگاههای آمریکائی با الگوگیری از دانشگاههای انگلیسی شروع به کار نموده و با رشد دانشگاههای آلمانی به سرعت به تقلید از آنها پرداختند. این دانشگاهها با بکارگیری روش‌های مدیریت بازارگانی در بخش حصوصی و نیز اتکاء منابع مالی به بنگاههای اقتصادی و شهریه‌ی دانشجوئی به استقلال و انعطاف پذیری چشمگیری دست یافتند. این دو ابزار دانشگاهیان را برای پاسخگوئی به مسائل روز جامعه آمریکائی به خوبی قدرتمند ساخت. می‌توان گفت دانشگاههای آمریکائی رویکرد پژوهش کاربردی را برگزیده و از الگوی بازار تبعیت می‌کنند. (کینگ ۱۳۸۵: ۸-۱۰) امروزه تکیه بر نقش انتقال دانش با اعتراض دانشگاهیان مواجه شده، بر انجام پژوهش کاربردی و بنیادی برای دگرگون سازی اجتماعی تأکید می‌شود. (محسنی ۱۳۷۸: ۹۶۳)

خروج از نقش سنتی انتقال و نشر دانش (آموزش) و ایفای نقش موثر در خلق دانش (پژوهش) به ویژه تولید دانش کاربردی در راستای تحول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (خدمت اجتماعی) از تحولات اخیر وظایف دانشگاه است. (رجبهی ۱۳۸۲: ۰۰۲)

به دیگر سخن، سه رسالت و کارکرد دانشگاه بدین شرح است:

- آموزش (انتقال دانش): در این عرصه، دانشگاه، محل تربیت دانش آموختگان فرهیخته و نیروی انسانی متخصص است - رویکرد دانشگاههای انگلستان.
- پژوهش (تولید دانش): دانشگاه چارچوبی است که خلاقیت و نوآوری را به حد اکثر توان خود می‌رساند. تولید دانش، پویایی دانشگاه را حفظ نموده و منجر به پاسخ به نیازهای جامعه و حل مشکلات می‌شود - رویکرد دانشگاههای آلمانی.
- خدمات اجتماعی (اشاعه دانش): دانشگاه، نتایج یافته‌های علمی خود را در اختیار جامعه قرار داده، از فعالیت‌های علمی

در همه سطوح اجتماع بهره برداری می گردد-رویکرد

دانشگاههای آمریکائی (عباسی مقدم ۱۳۸۶: ۴۹-۵۰)

در واقع، خدمات اجتماعی، نوع دیگری از پژوهش است که از آن به پژوهش نوع دوم می شود. پژوهش نوع اول همان پژوهش سنتی دانشگاهها، محضور و درون رشته ای است. پژوهش نوع دوم، پژوهشی است که دستاوردها و نتایج آن، کاربردی، فرارشته ای (کستره وسیعی از دیدگاهها برای حل مساله بکارگرفته می شود)، انعکاسی (عدم عینی بودن) و دارای معیارهای متفاوتی نسبت به پژوهش نوع اول است. پژوهش نوع دوم، پاسخ جامعه علمی به مسائل علمی جامعه و نسبت به آن متعهدتر و پاسخگو تر است. در این نوع پژوهش، تولید علم بافت محور بوده و نیاز اجتماعی به منظور تولید معرفت، مستقیم وارد دانشگاه می شود. (کینگ ۱۳۸۵: ۳۳-۳۴)

تغییر در مسائل دانشگاه بسیار بارز است. زمانی پرداختن به زندگی مردم و حل مشکلات آنان در دانشگاه ها به نام عوام گری تحقیر می شد و انجام پژوهش های محضور و درون رشته ای (نوع اول) ماموریت دانشگاه به حساب می آمد اما هم اکنون از رسالت های دانشگاه تعهد به جامعه و پرداختن به مسائل مردم است. (وبر و همکاران ۱۳۸۰: ۲۸)

امام خمینی (رحمه الله) با انتقاد از تربیت دانشگاهی در قبل از انقلاب، بریده شدن از مردم را نتیجه آن می داند و به روشنگران متعدد و مسئول توصیه می کنند که به فکر مردم باشند. (افروغ ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳) در نظر ایشان دانشگاه اسلامی، در خدمت جامعه و مفید به حال ملت و مسئول در برابر آن است. (رازی ۱۳۷۸: ۱۸۶) امام همیشه تذکر می دادند که طوری فکر کنید که گوئی در جامعه هستید نه در حجره مدرسه. (موسوی بجنوردی ۱۳۸۳: ۱۰). حضرت آیت الله خامنه ای نیز دو خدمت اساسی انقلاب به دانشگاه را یکی ایجاد هویت مستقل برای دانشگاه و دیگری آشتنی دادن آن با مردم می داند؟

دانشگاهی که قدرت تولید علم و فکر برای قشرهای مختلف مردم را دارد است. (قدوسی ۱۳۸۴: ۲۶)

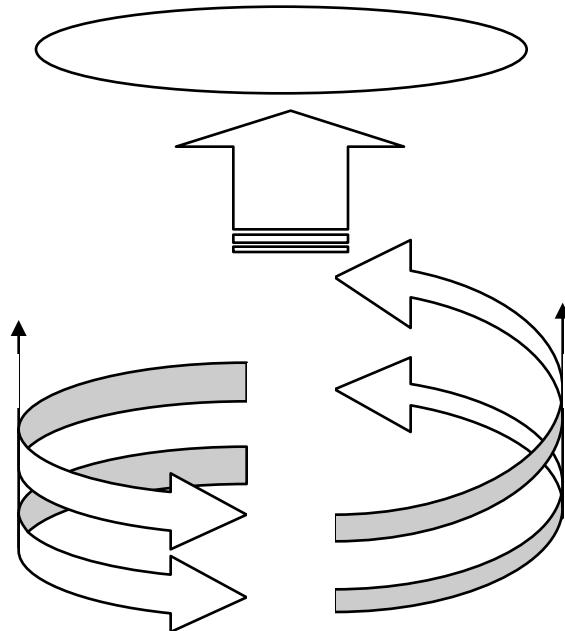
یکی از نتایج تعهد دانشگاه به جامعه-فارغ از آنچه در فصل دوم بدان خواهیم پرداخت-رفع مشکل تامین مالی دانشگاه است. از سوئی هزینه آموزش و پژوهش رویه افزایش است و از سوئی دیگر، تامین اعتبار از بودجه عمومی نیز با توجه به مسائل مالی دولت از قبیل تامین بودجه بهداشت، امنیت و باز پرداخت کمکهای خارجی، رویه کاهش می رود. بدین سان، جامعه و بخش خصوصی با استفاده از خدمات ارزشمند و فعالیت‌های تاثیرگذار دانشگاه می توانند نسبت به تامین مالی دانشگاه گام‌های جدی بردارند. دانشگاهها به توسعه پژوهش در زمینه بازار تمایل پیدا کرده اند که از آن به تجاری سازی خدمات اجتماعی یاد می شود. تجاری سازی پژوهش‌ها و خدمات اجتماعی موجب کارآمدی و افزایش توان پاسخگوئی و نیز پوشش هزینه هاست. (وبر و همکاران ۱۳۸۰: ۱۱) بنابراین، تامین مالی دانشگاه از محل‌های بودجه دانشگاه، انجام پژوهش برای دولت، بخش خصوصی و انجام دیگر خدمات اجتماعی امکان پذیر است. (تقوی گیلانی ۱۳۷۸: ۱۷۵)

دیگر خدمات اجتماعی شامل مواردی همچون گسترش دسترسی به آموزش عالی، آموزش مدام‌العمر و کاستن از محرومیت اجتماعی با فراهم آوردن آموزش برای افراد فاقد مهارت، می گردد.

یکی از مهمترین مواردی که دانشگاه مبتنی بر تعهد به جامعه، باید بدان پردازد، آموزش مدام‌العمر است؛ چرا که در دورانی که دانش بشری هر پنج سال دو برابر می شود و سرعت تغییرات محیطی به میزانی است که کسب دانش در یک دوره تحصیلی قادر به پاسخ گوئی به نیاز ها در زمان اشتغال فرد نخواهد بود، درب دانشگاه بیش از هر زمان دیگری باید به روی همه سطوح جامعه باز باشد و با ارائه آموزش‌های لازم زمینه به روز رسانی دانش را برای

همه به خصوصی بزرگسالان فراهم سازد. این مهم محتاج ساختارها و راهبردهایی انعطاف پذیر است. کنندی دانشگاه‌های امروز در پاسخ به چالش‌های محیطی مساله‌ای است که عموم کارگزاران این نهاد بر آن اذعان دارند. (تورچیان و همکاران ۱۳۸۳: ۴۰۶ و وبر و همکاران ۱۳۸۰: ۳۸)

در زاین ارتباط مستمر با دانشگاه به این شکل برای دانشجویان فراهم آمده است که پس از فارغ التحصیلی، دانش آموختگان پژوهه‌های تحقیقاتی در محل کار خود تعریف کرده، با همکاری اساتید دانشگاه آن را تکمیل کنند و با ارائه به دانشگاه موفق به اخذ مدارج عالی گردند. (سرکار آرانی ۱۳۷۸: ۱۹۹) پیش از بررسی دانشگاه به عنوان یک سازمان، با نگاهی دیگر به بیان روابط میان رسالت‌های دانشگاه می‌پردازیم. از یک سو، آموزش (انتقال دانش) و پژوهش (تولید دانش) رابطه‌ای متنقابل دارند. آموزش یک مقدمه تردید ناپذیر و در خدمت پژوهش است. طی فرآیند آموزش مرز دانش انتقال می‌یابد. این خود مقدمه‌ای بر تحقیق و پژوهش برای توسعه مرز دانش است. انتقال نتایج پژوهش در آموزش و بهره برداری آموزشی از آنها برای دانشگاه پر نشاط و به روز، نیز یک ضرورت است. (مصطفوی‌نیا ۱۳۸۴: ۱۲) بر اساس نظر سنجی از اعضای انجمن دانشگاه‌های اروپا یکی از ارزش‌های دانشگاهها در سال ۲۰۱۰ میلادی، وجود غیر قابل تفکیک آموزش و پژوهش در همه سطوح دانشگاهی بوده است. (وبر و همکاران ۱۳۸۰: ۳۲) از سوئی دیگر، تعهد به جامعه و ارائه خدمات اجتماعی (اشاعه دانش) جهت گیری این چرخ‌نشش علمی از آموزش به پژوهش و بالعکس را تعیین می‌کند. می‌توان گفت رسالت اساسی دانشگاه، گرداندن چرخ علمی در جهت رفع نیازهای مردم است. این موضوع را در قالب نمودار (۱) نشان داده ایم.



نمودار (۱): روابط میان رسالت‌های دانشگاه

۱-۲. سازمان دانشگاه

از نظر جامعه شناختی، هر جامعه‌ای دارای نظام اجتماعی متشكل از سازمانهای اجتماعی گوناگون است که هر یک دارای کارکردهای معینی است. دانشگاه نیز سازمان اجتماعی‌ای است که تولید و توزیع دانش را بر عهده دارد (صدیقی اورعی ۱۳۷۸: ۲۳۰-۲۳۱)

بدون شک پیش نیاز اداره سازمان شناخت آن است. به منظور درک و تبیین سازمان دانشگاه، می‌توان از دیدگاه سیستمی بدین شرح آن را توصیف کرد: سازمان دانشگاه، سیستمی است دارای ورودی، فرآیند، خروجی و باز خور؛ ورودی شامل دانشجو، استاد، مواد آموزشی، مادریت، تشکیلات و ... فرآیند درون سیستم شامل فرآیندهای یاددهی و یادگیری، برنامه‌ریزی

آموزشی و ... خروجی شامل دانش آموختگان و دانش تولید شده، خدمات علمی و تخصصی است. بازخور را نیز می‌توان اشتغال فارغ التحصیلان، ادامه تحصیل، تقویت ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه و ... در نظر گرفت.)
تنعمی ۱۴۸۶: ۱۲)

یکی دیگر از شیوه‌های افزایش شناخت در خصوص پدیده پیچیده ای چون سازمان استفاده از استعاره است. استعاره‌ها برای ساده سازی و کاهش ابهام از وضعیت ادراکی شناخت سازمان وجه خاصی از آن را مورد توجه قرار می‌دهند. این شیوه از درک سازمان بینشی تک بعدی ارائه می‌کند و وجود دیگر سازمان را که با درک سازمان آنچنانکه هست یا با استعاره‌ای دیگر قابل درک است، پنهان می‌سازد که از آن به خطای سازنده تعبیر می‌شود.

هر مدیری سازمان را آگاهانه یا نا آگاهانه با استعاره‌ای درک می‌کند و مبتنی بر آن به اداره سازمان می‌پردازد. (وارث ۱۴۸۰: ۲۸-۳۰) دانشگاه را همچون کارخانه تصور کنید (دانشگاه را با شبکه معنایی کارخانه مفهوم سازی و درک کنید- استعاره کارخانه) در نتیجه مبتنی بر تحلیل سیستمی، دانشجویان همچون مواد خام وارد سیستم می‌شوند، طی فرآیند استفاده از امکانات و تجهیزات، آموزش و امتحان به مانند فرآیند تولید، به محصولی چون فارغ التحصیلان تبدیل می‌گردند. (آذر ۱۴۷۹: ۱۱) این موضوع به درک سازمان دانشگاه و اداره آن کمک کرده، اما از نگاهی دیگر سبک و سیاق اداره آن را (تعامل با این پدیده اجتماعی را) چهار خطای سازد. متولیان امر که دانشگاه را آگاهانه یا نا آگاهانه اینگونه درک می‌کنند با دانشجویان همچون مواد خام برخورد کرده و انتظار دارند که طی فرآیند پردازش و تولید به آنچه در پی آنند تبدیل گرددند و حال آنکه انسان خروجی هیچ سیستمی نیست، بلکه محصول اراده خویش است. کامل نبودن آگاهی برآمده از بکارگیری این استعاره در

مقایسه با پادیده دانشگاه آنچنانکه هست، موجب ناکارآمدی اداره آن خواهد شد.

نگارنده به منظور تبیین سازمان دانشگاه از استعاره ای دیگر بهره می برد که مبتنی بر فرهنگ غنی و پر گوهر اسلامی است. سازمان دانشگاه را همچون من انسانی تصور کنید: سازمان مبتنی بر استعاره "سازمان بمناسبت از من"، مجموعه ای از استعدادهای است که در راستای رسیدن به هدف انجام تکلیف(عبادت با وسعت معنایی عمل صالح) به ظهور رسیده، بصیرت و عزم آن ارتقاء می یابد. اعضاء سازمان هریک با آگاهی از آغاز و انجام عالم، "شدن" خود را در تحقق آن هدف عالی یافته اند و به اختیار، ولایت مدیر را بر خود پذیرفته اند. در اینجا، "شدن" به معنی نزدیک شدن به کمال مطلق، قدرت گرفتن ویژگیهای کمال مطلق همچون دانایی (بصیرت) و توانایی(عزم) است. در این میان مدیر با بصیرت دهنده و عزم بخشی، استعداد سازمان و در پی آن استعداد هر یک از اعضاء را در این مسیر به شکوفائی می رساند. در واقع، او از این طریق استعداد خود را به منصه ظهور رسانده، خود را رشد می دهد. این چنین خود، اعضاء و سازمان هر یک در «مسیر بودن» به مرتب برتری از کمال دست می یابند. (روزی ۱۳۸۷: ۵۴۳-۵۴)

بدین سان، دانشجو ورودی سیستم دانشگاه است، اما نه به عنوان مواد اولیه بلکه به عنوان مشتری وارد سیستم می شود. او فردی است که با آگاهی از آغاز و انجام عالم، مسیر بودن خویش را، به فعل رساندن استعدادهای خود را، در تحقق رسالت سازمان دانشگاه می بیند. اینگونه علاقه دانشجو به دانشگاه

شكل می گیرد.^{۱۴}

دانشجو، مشتری علم است (دانش جو) بنابراین، آموزش داده می شود. «آموزش ارائه خدمت (به دانشجو) است نه فرآیند تولید محصول (فارغ التحصیل)». از اینرو دانشجو مشتری داخلی سازمان دانشگاه است که در

فرآیند تولید محصول (علم) برای رفع نیاز جامعه دخالت دارد. جامعه مشتری بیرونی سازمان دانشگاه است. بدون تردید لازمه مشتری مداری ، حرکت بر اساس نیاز جامعه در دانشگاه ، دانشجو محوری است.(نعمی ۱۳۸۶: ۲۰)

آنچه در نشست دست اندرکاران آموزش عالی اروپایی غربی و آمریکای شمالی در شهر گلیون سوئیس مطرح گردید نیز موید همین مطلب است که اگر دانشگاه بخواهد در فضای رقابتی امروز نقش واقعی خود را ایفا کند بایستی دانشجو را مشتری خود دانسته و برنامه های آموزشی و پژوهشی خود را با نیازها و خواسته های آنان تطبیق دهنده.(وبر و همکاران ۱۳۸۰: ۲)

منتظر ما از دانشجو معنای واقعی آن است، یعنی کسی که به عنوان مشتری و در جستجوی علم وارد این سیستم می شود. نه ویژگی یک دانشجو به معنای واقعی این چنین است:

۱. مدیر زمان
۲. کنجدکاو و سوال مدار
۳. جسور برای طرح سوال
۴. دارای پشتکار و تایافتن پاسخ
۵. علاقمند به مطالعه میان رشته ای
۶. علاقمند به مطالعه مباحث نظری
۷. توانا برای تعامل گروهی
۸. حس تجربه اندوزی و به عمل درآوردن دانسته ها
۹. ماهر در نوشتن (لطیفی و همکاران ۱۳۸۷: ۳۷۷-۳۸۴)

بر اساس این رویکرد، آنچه بر متولیان امر از جمله هیات علمی و اساتید است فارغ از آموزش، بصیرت دهی و عزم بخشی به دانشجویان در طی مسیر است که در نتیجه آن، رشد سازمانی میسر می گردد.

نقش استادی از ارائه دهنده اطلاعات به برانگیزاننده و ایجاد کننده درک عمیق نسبت به رشته تحصیلی در حال تغییر است. (رجبی ۱۳۸۲: ۲۰۲) این انگیزه نه تنها عاملی برای پیشرفت فرد در طول تحصیل بلکه محرکی برای آموختن مدام عمر و تعهد دانشجو (مشتری) به دانشگاه (سازمان ارائه کننده خدمات) است. بدین سان، حتی اگر علاقه دانشجو و انتخاب دانشگاه، مورد تردید باشد، سازوکار بصیرت دهی و عزم بخشی، آنان را در مسیر درست به پیش خواهد برد.

دوباره به دانشگاه با استعاره من انسانی نگاه کنیم: زمانی که رسالت سازمانی در قالب عبادت، انجام تکلیف و عمل صالح تعریف می‌گردد، استاد و دانشجو با آگاهی از آغاز و انجام عالم، رسالت وجودی خود را در تحقق آن رسالت سازمانی می‌یابند، حرکت در این مسیر آنان را در مسیر کمال رشد می‌دهد (افزایش دانائی و توانائی)، اینگونه فضای حاکم بر دانشگاه، جوی معنوی و دانشگاه محلی برای تهذیب و ترکیه نفس خواهد بود؛ چه اینکه حرکت در مسیر عبودیت حاکم بر پیکره دانشگاه است. این موضوع از پایبندی به عقاید، اخلاق و التزام به احکام الهی (به صورت فردی و سازمانی) گرفته، بروز این حاکمیت در متون و محتوای دروس و نظام آموزشی تا تجلی آن در معماری یک دانشگاه را شامل می‌شود. این همان معنائی است که امام خمینی (رحمه الله) و آیت الله خامنه‌ای و آیت الله مهدوی کنی (حفظهمما الله) از دانشگاه اسلامی یاد می‌کنند. (قدوسی زاده ۱۳۸۴: ۲۱ و مهدوی کنی ۱۳۷۸: ۹-۱۰ و رازقی ۱۳۷۸: ۱۸۹ و اخوان کاظمی ۱۳۸۳: ۲۶-۲۷)

۲. دانشکده

دانشکده مهمترین رکن ساختاری و عرصه تحقیق ماموریت دانشگاه است. در واقع، دانشجو با ورود به دانشکده، وارد دانشگاه می‌گردد. می‌بایست کارکرد